

بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده پایداری زندگی زناشویی

فاطمه مدیری^۱، فاطمه کیانی علی‌آبادی^۲

چکیده

در این مقاله، با هدف شناسایی عوامل اثرگذار بر پایداری زندگی زناشویی، به بررسی تاثیر تعیین‌کننده‌های پیش از ازدواج، بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق پرداخته‌ایم. جامعه آماری پیمایش، زنان و مردان متاهل شهر تهران بوده و ۱۷۳۶ نمونه به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای با ابزار پرسشنامه به‌کار گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان داده که نشاط زناشویی و گرایش به طلاق متأثر از مجموعه‌ای از عوامل پیشینه خانوادگی، ویژگی‌های فردی، حمایت اجتماعی و متغیرهای زوجی بوده و این متغیرها، نشاط زناشویی را به میزان ۲۳/۲ درصد و گرایش به طلاق را به میزان ۱۱/۲ درصد تبیین کرده‌اند. مردان، افرادی که به خانواده اهمیت بیشتری می‌دهند، افرادی که ازدواج ایشان توسط والدین تایید شده، شبکه اجتماعی گسترده‌تری دارند، در بدو ازدواج همگونی بیشتری داشته‌اند، و افرادی که رابطه پیش از ازدواج نداشته‌اند، نشاط زناشویی بالاتر و گرایش به طلاق پایین‌تری را گزارش کرده‌اند. تحصیلات با نشاط زناشویی رابطه مستقیم معنادار؛ سابقه جدایی از مادر در زمان کودکی با گرایش به طلاق رابطه مستقیم معنادار؛ سن و مدت زمان زناشویی با گرایش به طلاق رابطه معکوس معنادار داشته است. به‌طور کلی می‌توان گفت موفقیت و یا عدم موفقیت در زندگی زناشویی تا حدی قابل پیش‌بینی است. بر اساس یافته‌ها پیشنهادات سیاستی از جمله لزوم آموزش به افراد، در خصوص ترغیب به همسان‌همسری،

^۱ دانشیار جامعه‌شناسی، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، گروه مطالعات خانواده، نویسنده مسئول.
fateme.modiri@nipr.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، fatemehkianialiabadi@yahoo.com

* این مقاله مستخرج از طرح مصوب موسسه تحقیقات جمعیت کشور با عنوان کیفیت زندگی زناشویی و تاثیر آن بر قصد فرزندآوری (مورد مطالعه: متاهلین شهر تهران) است که داده‌های آن با حمایت مالی موسسه تحقیقات جمعیت کشور و معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری جمع‌آوری شده است.

پیشگیری از روابط پیش از ازدواج، و لزوم دسترسی به مشاوران متخصص، به‌ویژه برای نسل جوان، ارائه شده است.

کلیدواژه: تعیین کننده‌های پیش از ازدواج، نشاط زناشویی، گرایش به طلاق، پایداری زندگی زناشویی

مقدمه و بیان مسئله

مطالعات متعددی نشان داده که ازدواج موفق، مزایای فراوانی برای همسران، فرزندان، خانواده‌ها و جوامع به‌همراه دارد. ازدواج موفق، موجب ارتقای سلامت روانی و جسمی می‌شود (نیوتن و کیکالت-گلیرز^۱، ۲۰۰۱؛ گلاگر و ویت^۲، ۲۰۰۰) و کیفیت پایین زندگی زناشویی با کاهش کیفیت زندگی و افزایش استرس مرتبط است (برمن و مارگولین^۳، ۱۹۹۲؛ هاوکیلز و بوت^۴، ۲۰۰۵). ولیکن مدرنیته و جهانی شدن، ساختارهای سنتی خانواده را تغییر داده و امروزه حفظ و نگهداشت خانواده به سهولت امکان‌پذیر نیست. به عنوان مثال، ۹۳ درصد از آمریکایی‌ها داشتن یک ازدواج شاد را به‌عنوان یک هدف اصلی برای زندگی می‌دانند و ۷۰ درصد از ایشان معتقدند که انحلال ازدواج فقط در شرایط دشوار مجاز است. در حالی که تقریباً ۵۰ درصد از ازدواج‌ها در ایالات متحده به طلاق ختم می‌شود (جکسون^۵، ۲۰۰۹: ۱).

اما چرا برخی از ازدواج‌ها، موفق‌اند، در حالی که برخی دیگر به تعارض و طلاق می‌انجامد؟ در پاسخ به این سوال برخی محققان معتقدند که عواملی، پیش از ازدواج وجود دارد که منجر به ازدواج موفق یا ناموفق می‌شود. بنابراین ایشان به این سؤال که آیا قبل از ازدواج می‌توان پیش‌بینی کرد که چه کسانی ازدواج موفق و یا ناموفق خواهند داشت؟ پاسخ مثبت می‌دهند. برخی تحقیقات نشان می‌دهند که عوامل پیش از ازدواج دارای ارزش پیش‌بینی کننده روابط

¹ Kiecolt-Glaser & Newton

² Waite & Gallagher

³ Burman & Margolin

⁴ Hawkins & Booth

⁵ Jackson

میان زوجین در سال‌های بعد از ازدواج هستند و رویدادهای قبل از ازدواج می‌تواند بر کیفیت رابطه، چندین سال پس از ازدواج تأثیر بگذارد (درخش و همکاران، ۱۳۹۸؛ شجاعی و همکاران، ۱۳۹۸؛ نسبک^۱ و همکاران، ۲۰۲۳؛ هالمن^۲، ۲۰۰۶؛ هالمن و همکاران، ۲۰۰۱؛ لارسون^۳ و هالمن، ۱۹۹۴؛ وامبلت و ریس^۴، ۱۹۸۹). نحوه تعامل پیش از ازدواج تا حدی در ایجاد پایداری یا ناپایداری زندگی زناشویی موثر بوده و مطالعات نشان داده، همسرانی که پیش از ازدواج، الگوی تعاملی مناسب نداشته‌اند، بعد از ازدواج نیز رضایت زناشویی کمتری را تجربه نموده‌اند (فیلیپس^۵، ۲۰۰۵؛ هس^۶، ۲۰۰۸؛ ناکس و اسکات^۷، ۲۰۱۲).

لوئیس و اسپانیر^۸ (۱۹۷۹) عوامل پیش از ازدواج را به‌عنوان شاخص‌های خاص منابع و دارای رابطه مستقیم با کیفیت زناشویی می‌دانند. بور^۹ و همکاران (۱۹۷۹) خواستار تحلیل‌های چند متغیره شدند و پیشنهاد کردند که برخی از عوامل در یک موقعیت چند متغیره قوی‌تر از سایر عوامل مرتبط هستند. اگرچه برخی همبستگی میان پیش‌بین کننده‌های قبل از ازدواج مانند کیفیت و ثبات زندگی والدین، ویژگی‌های شخصیتی افراد، شباهت در نگرش‌ها و ارزش‌ها را با پیامدهای زناشویی متعاقب آن شناسایی و بررسی کرده‌اند، اما میزان مؤثر بودن این عوامل در پیش‌بینی پیامدهای زناشویی هنوز تحت بررسی است (بلانچارد^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۹؛ هاوکینز و همکاران، ۲۰۰۸) و درک ما از فرآیند انتخاب همسر و جنبه‌هایی از آن که به نتایج بعدی ازدواج مرتبط است، محدود است (وایت^{۱۱}، ۱۹۹۰).

¹ Nussbeck

² Holman

³ Larson

⁴ Wambolt & Reiss

⁵ Phillips

⁶ Hess

⁷ Knox & Schacht

⁸ Lewis & Spanier

⁹ Burr

¹⁰ Blanchard

¹¹ White

در ایران خانواده از اهمیت بالایی برخوردار است. اگرچه تغییرات بنیادین و همه‌جانبه در ابعاد مختلف آن نیز ایجاد شده است. از جمله اینکه میزان خام طلاق که در سال ۱۳۶۵، ۰/۷۱۵ بوده است، در سال ۱۳۹۵ به ۲/۲۷ طلاق در هر هزار نفر و در سال ۱۳۹۸ به ۲/۰۶ رسیده است. و نرخ خالص طلاق که شاخص دقیق‌تری است، از سال ۱۳۷۵ روند صعودی داشته و از ۱/۵۹ به ۴/۲۷ در سال ۱۳۹۵ رسیده است (ثبت احوال کشور). بنابراین شناسایی عوامل مرتبط با طلاق و رضایت زناشویی حائز اهمیت است. مطالعات داخلی نشان داده که رضایت زناشویی به حفظ خانواده و برخورداری از کیفیت بهتر زندگی کمک می‌کند، در حالی که نارضایتی از ازدواج منجر به اضطراب، افسردگی و حتی فروپاشی خانواده می‌شود (درخش و همکاران، ۱۳۹۸؛ شجاعی و همکاران، ۱۳۹۸؛ بخشایش و مرتضوی، ۱۳۸۸؛ بشارت و تاشک، ۱۳۹۵). برخی مطالعات نیز به تاثیر عوامل پیش از ازدواج بر رضایت زناشویی پرداخته‌اند. به عنوان مثال ایمان‌زاده و علی-پور (۱۳۹۵) نشان دادند که ازدواج اجباری با عدم رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری دارد و شادمانی (۱۳۹۹) به پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس رضایت زناشویی والدین و سلامت خانواده پدری اشاره داشته است.

چنانکه گفتیم در مطالعات داخلی کمتر به تاثیر عوامل پیش از ازدواج بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق از ابعاد مختلف پرداخته شده است. بنابراین شناسایی عوامل اثرگذار بر پایداری زندگی زناشویی، حائز اهمیت است. در این راستا، هدف این مقاله بررسی تاثیر تعیین‌کننده‌های پیش از ازدواج بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق بوده است و به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد که چه عواملی می‌تواند نشاط زناشویی و گرایش به طلاق را در شهر تهران پیش‌بینی کند و شدت تاثیر هر یک از این عوامل به چه میزان است؟ از آنجا که در شهر تهران، خانواده‌ها از شهرها و استان‌های مختلف با سطوح متفاوت اقتصادی اجتماعی فرهنگی سکونت دارند که می‌تواند باعث تفاوت در نگرش‌های ایشان شود (مدیری و رازقی، ۱۳۹۴) و از طرفی تهران از شهرهایی است که دارای بالاترین آمار طلاق است (مرکز آمار، ۱۳۹۵)، بررسی پایداری زندگی زناشویی و عوامل مرتبط با آن در این شهر از اهمیت به سزایی برخوردار است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در تبیین عوامل پیش‌بینی‌کننده پایداری زندگی زناشویی برخی نظریات از جمله همسان‌همسری^۱، نظریه‌نظام‌ها^۲، تئوری دلبستگی^۳، مبادله^۴ و کنش متقابل^۵ کاربرد بیشتری دارد که در ادامه به اختصار توضیح داده خواهد شد.

همسان‌همسری: بر اساس این نظریه، افراد همسان به سوی یکدیگر جذب شده و پیوند آن‌ها پایدارتر است. هیل معتقد است، افراد در تلاشند تا همسری همسان داشته باشند و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نشود، ممکن است ناسازگاری میان زوجین ایجاد شود (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶). بنابراین هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی زوجین قوی‌تر باشد، خطر جدایی آن‌ها کم‌تر است و هر قدر همگونی ایشان بیشتر باشد، زناشویی پایدارتر است.

نظریه نظام‌ها: این نظریه خانواده را چیزی بیش از مجموعه‌ای اجزایش می‌انگارد و آن را شامل افراد عضو آن، شخصیت‌ها و ویژگی‌هایشان و روابط بین آن‌ها می‌داند. نظریه‌ی نظام‌های خانواده بر زمینه و بستر خانوادگی که زن و شوهر در آن قرار گرفته‌اند، تاکید دارد. این نظریه بر این فرض استوار است که ازدواج و طلاق می‌تواند، در بستر روابط خانوادگی بهتر درک شود (کلارک-استیوارت و برنتانو^۶، ۲۰۰۶).

تئوری دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی باثبات پیش از ازدواج ایجاد شده، و ایده‌هایی که از خانواده اصلی آورده شده است، به توانایی فرد برای مقابله با رویدادهای استرس‌زا و سازگاری زوجین کمک می‌کند (کارنی و بردبری^۷، ۱۹۹۵).

^۱ Homogamy theory

^۲ Systems theory

^۳ Attachment Theory

^۴ Social Exchange Theory

^۵ Interaction

^۶ Clarke-Stewart & Brentano

^۷ Karney & Bradbury

نظریه مبادله: بر اساس برآورد سود و هزینه، هر فرد در برابر آنچه که هزینه می‌کند انتظار دریافت پاداش معادل را از طرف مقابل دارد. افراد سعی می‌کنند، در رابطه‌ای وارد شوند که بیشترین سود و کمترین هزینه را داشته باشد (توسلی، ۱۳۷۰). در رابطه زناشویی هر چه پاداش‌ها بیش‌تر و هزینه‌ها کم‌تر باشد، رضایت‌مندی زناشویی بیشتر و زندگی زناشویی پایدارتر خواهد بود.

نظریه کنش متقابل: بر اساس این نظریه، انسان‌ها در کنش متقابل، عناصری را که برای زندگی کردن نیاز دارند، به‌دست می‌آورند و جامعه‌پذیر می‌شوند. همسرگزینی دارای هنجارهایی است که در قالب ارتباطات اجتماعی با افراد به‌وجود می‌آید. بنابراین افرادی که دارای معانی مشترک بیشتری باشند، به احتمال بیشتری، یکدیگر را به‌عنوان همسر برمی‌گزینند و زندگی زناشویی از رضایت‌مندی بیشتری برخوردارند (توسلی، ۱۳۷۰).

ایده‌های بوون^۱ (۱۹۷۸) پایه و اساس نظریه‌پردازی مارکز^۲ (۱۹۸۶) را فراهم کرد. مارکز به جای مثلی متشکل از سه نفر در تعامل با یکدیگر مانند نظریه بوون، هر یک از شرکای ازدواج را دارای سه گوشه می‌داند. "گوشه درونی" گوشه خود است که از احساسات، افکار، تکانه‌ها و تصاویر تشکیل شده است. در این گوشه، مردم یک "پارادایم زناشویی" از مفاهیم ایجاد می‌کنند که از طریق مشاهده و تعامل با والدین شکل می‌گیرد. در گوشه مشارکت فرد باید فضا، حرکات و وجود کلی شریک را هماهنگ کند. گوشه سوم شامل سایر نقاط مرجع مهم خارج از خود و شریک زندگی مانند فرزندان، شغل، مدرسه، مذهب، خویشاوندان و غیره است. نظریه سیستمی مارکز به ما کمک می‌کند تا ببینیم که چندین سطح تحلیل باید در نظر گرفته شود که به طور اجتناب‌ناپذیری به هم مرتبط هستند.

باورمن^۳ (۱۹۶۴) نظریه پیش‌بینی‌کننده ازدواج را در دهه ۱۹۶۰ مطرح کرد. در دهه‌های بعد تاثیر این عوامل در پیشگیری از طلاق برجسته‌تر شد. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بیشتر تلاش

^۱ Bowen

^۲ Marks

^۳ Bowerman

ها برای پیش‌بینی کیفیت زناشویی بر پیش‌بینی‌کننده‌های تعاملی متمرکز بود (فلسینگر و توما^۱، ۱۹۸۸؛ مارکمن^۲ و همکاران، ۱۹۸۷) و سپس تأکیدی بر تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و زمینه‌ای بر روابط زناشویی صورت گرفت. سه بررسی گسترده درباره پیش‌بینی‌کننده‌های قبل از ازدواج سازماندهی شده‌اند که تحت سه دسته کلی عوامل زمینه خانوادگی، ویژگی‌های فردی و فرآیندهای تعاملی زوجین مطرح است (کیت و لیود^۳، ۱۹۹۲؛ لارسون و هالمن، ۱۹۹۴؛ وامبولت و ریس، ۱۹۸۹). در میان این سه بررسی، تنها لارسون و هالمن (۱۹۹۴) عوامل زمینه اجتماعی را مطرح کردند. آنها عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن ازدواج، تحصیلات، درآمد، شغل، طبقه، نژاد، و جنسیت را به عنوان شاخص‌های زمینه اجتماعی فرهنگی روابط در حال توسعه، نه به عنوان ویژگی‌های فردی، تصور می‌کنند. وامبولت و ریس سه دسته اصلی عوامل زمینه‌ای، ویژگی‌های شخصیتی و فرآیندهای تعاملی را در تبیین روابط زناشویی مطرح کرده‌اند. آنها برای پاسخ به سؤال چرا پیشینه خانوادگی بر رابطه زناشویی جاری تأثیر می‌گذارند، مدل جامعه‌پذیری سنتی را پیشنهاد می‌کنند که معتقد است افراد مجموعه‌ای از رفتارها و طرحواره‌های شناختی و عاطفی را می‌آموزند که نسبتاً بدون تغییر در روابط بزرگسالان از جمله روابط زناشویی خود را نشان می‌دهند (وامبولت و ریس، ۱۹۸۹: ۱۳۲). لارسون و هالمن معتقدند که مفیدترین دیدگاه برای سازماندهی روابط از قبل از ازدواج تا ازدواج، دیدگاه اکوسیستمی است و رابطه در سطوح مختلفی از جمله سطوح فردی، زوجی و زمینه‌ای توسعه می‌یابد. آنها برای درک نظری و تجربی، تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و مشترک طبقات مختلف عوامل پیش از ازدواج مرتبط با پیامدهای ازدواج بعدی را پیشنهاد کردند (لارسون و هالمن، ۱۹۹۴: ۲۲۹). کیت و لیود (۱۹۹۲) نیز معتقدند آنچه در خواستگاری اتفاق می‌افتاد، پایه کیفیت و ثبات بعدی ازدواج را تنظیم می‌کند.

نادیا و ایرم^۴ (۲۰۱۵) در پاکستان نشان دادند که مردان و زنانی که با اختیار خود و با پذیرش والدین ازدواج می‌کنند، نسبت به افرادی که بدون پذیرش والدین ازدواج می‌کنند، رضایت

¹ Filsinger & Thoma

² Markman

³ Cate & Lloyd

⁴ Nadia & Iram

زناشویی بیشتری داشته‌اند. هالمن (۲۰۰۶) اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیشینه خانوادگی، ویژگی‌های فردی، شبکه اجتماعی و فرایندهای تعاملی را بر کیفیت زندگی زناشویی سنجیده و نشان داده که حتی زمانی که سایر عوامل پیش از ازدواج کنترل شده باشد، تعدادی از فرآیندهای تعاملی قبل از ازدواج، از جمله همگامی، شباهت بین فردی، ارتباط، و توافق، با کیفیت زناشویی مرتبط است. مایرز^۱ و همکاران (۲۰۰۵) در مقایسه ازدواج‌های ترتیب داده شده و ازدواج‌های انتخابی در هند و ایالات متحده نشان دادند که تفاوت‌هایی در اهمیت ویژگی‌های زناشویی یافت شد، اما تفاوتی در رضایت زناشویی یافت نشد.

کارنی و بردبری (۱۹۹۵) با مرور مطالعات طولی مدلی ایجاد کرده‌اند که مهمترین بخش آن عاملی است که آسیب‌پذیری می‌نامند. آنها از تئوری دلبستگی استفاده می‌کنند تا پیشنهاد کنند که ویژگی‌های شخصیتی باثبات پیش از ازدواج ایجاد شده، و ایده‌هایی که از خانواده اصلی آورده شده است، به توانایی فرد برای مقابله با رویدادهای استرس‌زا و سازگاری زوجین کمک می‌کند. ویت^۲ (۱۹۹۰)، در مطالعه مقطعی خود تأثیرات متعدد را بررسی می‌کند. با کنترل ویژگی‌های فردی، تعارضات خانواده مبدأ، ویژگی‌های زوج و شبکه‌های اجتماعی، با کیفیت زناشویی رابطه نسبتاً قوی داشته است. ویت نشان داده که تحصیلات، درآمد، شغل و نژاد توانایی پیش‌بینی دارند، اما معمولاً زمانی که سایر عوامل پیش از ازدواج وارد معادله می‌شوند، از پیش‌بینی خارج می‌شوند. او نشان داده که سن به‌طور قابل توجهی با مشکلات زناشویی مرتبط بوده است. مخالفت والدین قبل از ازدواج به طور مثبت با مشکلات زناشویی مرتبط بوده، اما با کیفیت زناشویی ارتباطی نداشته است.

وامبولت و ریس (۱۹۸۹) نشان دادند که پیشینه خانوادگی بر رضایت از زندگی زناشویی اثرگذار است. نزدیکی بیشتر به پدران، ازدواج را بهبود می‌بخشد. هر چه ویژگی‌های فردی که نشان‌دهنده این است که فرد چگونه خود را درک می‌کند، سالم‌تر باشد، رضایت زناشویی بیشتری

¹ Myers

² Whyte

را به دنبال دارد (لارسون و هالمن، ۱۹۹۴). بنتلر و نیوکامب^۱ (۱۹۷۸) با آزمایش مدلی که شامل متغیرهای ساختاری خانواده مبدا و ویژگی‌های فردی است، نشان دادند که ویژگی‌های فردی، پیش‌بینی‌کننده موفقیت زناشویی هستند. حمایت شبکه‌های اجتماعی جنبه دیگری از زمینه اجتماعی است که بر نتایج ازدواج بعدی تأثیر می‌گذارد. حمایت خانواده و دوستان از رابطه قبل از ازدواج مدت‌هاست که به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده کیفیت زناشویی بعدی دیده می‌شود و همچنان قدرت پیش‌بینی دارد (نوری و همکاران، ۱۴۰۰؛ نسبک و همکاران، ۲۰۲۳؛ برگس و والین^۲، ۱۹۵۳؛ بوت و جانسون^۳، ۱۹۸۸؛ کلی، هاستون و کیت^۴ (۱۹۸۵)، (کیت، هاستون و نسلرود^۵، ۱۹۸۶؛ کرداک^۶، ۱۹۹۱؛ ویت، ۱۹۹۰). دریافتند که تعارض پیش از ازدواج با ناسازگاری زناشویی زنان مرتبط است. برخی نشان دادند که فرآیندهای تعاملی پیشینیان مهم کیفیت رابطه زناشویی هستند (دیندیا^۷، ۱۹۹۴؛ پلانالپ و گروین-دوگلاس^۸، ۱۹۹۴).

صادقی و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که در الگوی مدرن همسرگزینی، تمایل به طلاق بیشتر است. افرادی که خود همسرشان را انتخاب کرده و این انتخاب با تأیید و موافقت والدین همراه نبوده است، رضایت زناشویی پایین‌تر و تمایل به طلاق بیشتری داشته‌اند. هنرپروان (۱۳۹۶) نشان داده که احتمال طلاق در ازدواج سنتی بیش از ازدواج مدرن و صمیمیت زوجین در ازدواج غیرسنتی بیش از ازدواج سنتی بوده است. ضرغام حاجبی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که ازدواج به سبک مدرن و آشنایی زوجین قبل از ازدواج در افزایش میزان رضایت زناشویی و پایداری زندگی خانواده تأثیرگذار است. شجاعی و حاج‌حسینی (۱۳۹۶) نشان دادند که تفاوت معناداری در رضایت زناشویی افرادی که به طور سنتی ازدواج کرده‌اند، با افرادی که

¹ Bentler and Newcomb

² Burgess & Wallin

³ Booth & Johnson

⁴ Kelly, Huston & Cate

⁵ Nesselroade

⁶ Kurdek

⁷ Dindia

⁸ Planalp & Garvin-Doxas

به طور اینترنتی ازدواج کرده‌اند، نیست. رضایت زناشویی افرادی که به‌طور سنتی ازدواج کرده‌اند، بیش از افرادی است که با آشنایی خیابانی ازدواج کرده‌اند و رضایت زناشویی افرادی که با آشنایی خیابانی ازدواج کرده‌اند، بیش از افرادی است که به‌صورت اینترنتی ازدواج کرده‌اند.

بر اساس مطالعه جمال‌نیک و همکاران (۲۰۲۰) زوج‌هایی که از ازدواج خود راضی بودند معتقد بودند که انتخاب صحیح همسر نقش اساسی در ثبات زندگی زناشویی آن‌ها داشته است. شعاع کاظمی و شهابی‌نژاد (۱۳۹۵) نشان دادند، بین شیوه همسرگزینی و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد و بیشترین میزان سازگاری زناشویی در شیوهی آشنایی و رضایت خانواده می‌باشد. بهمنش و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند رضایت زناشویی در زنانی که از استقلال بالایی در انتخاب همسر برخوردار بوده‌اند، در زنان با تحصیلات دانشگاهی، زنان با وضعیت اقتصادی بالاتر، و در بین زنان دارای الگوی ازدواج ترکیبی بیشتر بوده است. ملکیان (۲۰۱۶) نشان داده که بین مردان دارای ازدواج سنتی و مدرن از نظر توانایی حل مسئله تفاوت معناداری وجود ندارد. بین مردان دارای ازدواج سنتی و مدرن از نظر توانایی برقراری ارتباط، ایفای نقش، پاسخگویی هیجانی، درگیری عاطفی و کنترل رفتار تفاوت معناداری وجود دارد.

جواهری محمدی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که تفاوت معناداری در رضایت زناشویی در بین زوجین با همسرگزینی سنتی و غیرسنتی وجود ندارد. فاریابی و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۴) نشان دادند که علیرغم تفاوت میانگین‌ها در شادکامی و سازگاری زناشویی بین زوجین با ازدواج سنتی و غیرسنتی، تفاوت معناداری بین آن‌ها وجود ندارد. ولی میل به طلاق در ازدواج‌های غیرسنتی بیشتر از سنتی بوده و میزان سازگاری مردان در ازدواج غیرسنتی بیشتر است. عاصمی و حسینی یزدی (۱۳۹۳) نشان دادند که هر سه مولفه رضایت زناشویی، صمیمیت و تعهد در ازدواج‌های سنتی بیش از ازدواج‌های مدرن است. فرهمند و احمدنیا (۱۳۹۳) نشان دادند که در مردان میزان رضایت جنسی و مناسبات بین فردی در شیوه همسرگزینی سنتی و مدرن متفاوت بوده و میزان رضایت زناشویی در همسرگزینی جدید، در ایشان بیشتر است. فلاح‌زاده و اسددرخت (۱۳۹۲) نیز نشان دادند که آشنایی بیشتر افراد، پیش از ازدواج، و شناخت

بیشتر از ابعاد شخصیتی، فرهنگی، خانوادگی و اقتصادی طرف مقابل، باعث افزایش آگاهی ایشان شده و زندگی زناشویی آتی با تعارضات کمتری همراه خواهد بود. خبیر (۱۳۹۱) نشان داده که بین زوجین با ازدواج سنتی و غیر سنتی در بی‌ثباتی ازدواج تفاوت معنادار وجود دارد. میانگین مولفه‌های حرمت، کنترل درونی، آگاهی، انگیزش، قاطعیت و رضایت جنسی در زوجین با ازدواج غیرسنتی به‌طور معناداری بالاتر از ازدواج سنتی بوده و میانگین مولفه‌های اضطراب، افسردگی و کنترل بیرونی جنسی در زوجین با ازدواج سنتی به‌طور معناداری بیش از ازدواج غیر سنتی بوده است.

سیار و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند که بین زنان با ازدواج سنتی و مدرن به‌لحاظ توانایی حل مسأله تفاوت معناداری وجود ندارد. بین زنان با ازدواج سنتی و مدرن به‌لحاظ توانایی برقراری ارتباط، ایفای نقش، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار تفاوت معناداری وجود دارد. زنانی که ازدواج مدرن کرده‌اند، در این ابعاد از کارکرد خانواده امتیاز بیشتری گرفته‌اند. بنابراین ازدواج مدرن و آشنایی زوجین پیش از ازدواج، در تقویت کارکرد خانواده و ثبات و استحکام خانواده می‌تواند مؤثر باشد. سلیمانی و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که رضایت زناشویی افرادی که از طریق خانواده آشنا شده‌اند، بیشتر از افرادی است که از طریق دوستی و اینترنت آشنا شده و ازدواج کرده‌اند.

چنانکه دیدیم در مطالعات داخلی از پیش‌بینی‌کننده‌های پایداری زندگی زناشویی، عمدتاً به شیوه همسرگزینی اشاره شده است و مطالعاتی که به مجموعه‌ای از عوامل پرداخته شده باشد، کمتر بوده است. نتایج تحقیقات نیز در بیان رابطه میان شیوه همسرگزینی و پایداری زندگی زناشویی متفاوت بوده است. بنابراین در این تحقیق به مجموعه‌ای از عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی پایداری زندگی زناشویی، پرداخته شده است.

چارچوب تئوریک تحقیق ترکیبی از تئوری‌های همسان‌همسری، نظریه نظام‌ها، تئوری دلیستگی، نظریه مبادله، کنش متقابل و مطالعات پیشین از جمله مطالعات باورمن (۱۹۶۴)، لارسون و هالمن (۱۹۹۴)، وامبولت و ریس (۱۹۸۹) می‌باشد. به‌عنوان مثال بر اساس نظریه

نظام‌ها و مطالعات باورمن (۱۹۶۴)، نادیا و ایرم (۲۰۱۵)، ویت (۱۹۹۰) طلاق والدین با پایداری زندگی زناشویی رابطه معکوس دارد. بر اساس تئوری دلبستگی سابقه جدایی از مادر در دوران کودکی با پایداری زندگی زناشویی رابطه معکوس دارد. حمایت والدین و گستردگی شبکه اجتماعی بر اساس تئوری کنش متقابل و مطالعات ویت (۱۹۹۰)، نوری و همکاران (۱۴۰۰)، برگس و والین (۱۹۵۳)، نسبک و همکاران (۲۰۲۳) با پایداری زندگی زناشویی رابطه مستقیم دارد. بر اساس تئوری همسان‌همسری همگونی اقتصادی اجتماعی فرهنگی زوجین با پایداری زندگی زناشویی رابطه مستقیم دارد. با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی، پیشینه خانوادگی، حمایت اجتماعی و متغیرهای زوجی بر پایداری زندگی زناشویی اثرگذار است. بنابراین تاثیر عوامل پیشینه خانوادگی (سابقه طلاق والدین، سابقه جدایی از مادر)، ویژگی‌های فردی (جنس، سن، تحصیلات، درآمد، مدت زمان زناشویی، احساس مثبت به خود، میزان اهمیت به خانواده)، حمایت اجتماعی (تایید ازدواج توسط والدین، شبکه اجتماعی) و متغیرهای زوجی (همگونی بدو ازدواج، رابطه پیش از ازدواج) بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق مفروض است. این فرضیه‌ها مستخرج از نظریه‌های پیش‌بینی کننده‌های قبل از ازدواج، همسان‌همسری، دلبستگی، مبادله، کنش متقابل و نظریه نظام‌ها بوده است. بر اساس فرضیه‌های مذکور مدل تحقیق به قرار زیر است.

مدل تحقیق



پایداری زندگی زناشویی

نشاط زناشویی

روش تحقیق

گرایش به طلاق

جامعه آماری پیمایش

ت. جمعیت تهران در سال ۱۳۹۰
بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۸۱۵۳۹۷۴ نفر بوده که در ۶۰۱۴ حوزه سکونت داشته و ۴۷۲۰۴۷ از این تعداد متاهل بوده‌اند. داده‌های مقاله، برگرفته از پیمایش بررسی کیفیت زندگی زناشویی که در سال ۱۳۹۶ در شهر تهران اجرا شده، بوده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵، با در نظر گرفتن ضریب تعدیل بی پاسخی ۰/۲۵، و با احتساب اثر طرح^۱ برابر با ۲، و احتساب ریزش احتمالی ۰/۱۵ (دواس، ۱۳۸۶)، ۲۰۰۰ نفر، در نظر گرفته شده است. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۲ بوده است. تعداد متاهلین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را در نظر گرفتیم و با توجه به جمعیت هر منطقه تعداد نمونه هر منطقه را مشخص کردیم. سه گروه سنی زیر ۴۰ سال، ۴۰ تا ۵۴ سال، ۵۵ سال و بالاتر را نیز لحاظ کردیم. به منظور انتخاب نمونه‌ای معرف از تقسیم جمعیت شهر تهران (۸۱۵۳۹۷۴) که در ۶۰۱۴ حوزه پراکنده‌اند، بر ۵۰ حوزه فاصله انتخاب ۱۶۳۰۷۹،۴۸ بدست آمد. اولین حوزه به شکل تصادفی انتخاب شد. سپس با اضافه کردن فاصله انتخاب به اولین حوزه، حوزه دوم انتخاب شد و حوزه‌های دیگر به همین ترتیب انتخاب شدند. بنابراین پراکندگی حوزه‌های انتخاب شده، پراکنش متغیرهای مطالعه را تا حد قابل ملاحظه‌ای تأمین می‌کند. پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های با بی پاسخی بالا و نامعتبر، ۱۷۳۶ پرسشنامه انتخاب

¹ Design effect

² Probability proportional to size (PPS)

شده و در تجزیه و تحلیل نهایی به کار گرفته شده است. در سنجش اعتبار متغیرها از نظرات متخصصان و در پایایی گویه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شده است. از نسخه 21 نرم افزار SPSS در توصیف داده‌ها و از آزمون‌های آماری همبستگی (در آزمون‌های دو متغیره با سطح سنجش فاصله‌ای)، تحلیل واریانس (در آزمون‌های دو متغیره با سطح سنجش ترتیبی و فاصله‌ای)، مقایسه میانگین‌ها (در آزمون‌های دو متغیره با سطح سنجش اسمی و فاصله‌ای) و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. در ادامه به تعریف متغیرهای تحقیق پرداخته شده است:

نشاط زناشویی^۱: داشتن یک حس خوب توسط همسران است و از ترکیب ۱۲ گویه با آلفای کرونباخ ۰/۹۳۴، برگرفته از مطالعه وایت (۱۹۸۳) در سطح سنجش فاصله‌ای ساخته شده است. این متغیرها عبارتند از: میزان رضایت فرد از رابطه جنسی، میزان محبت همسر به فرد، میزان درک فرد توسط همسر، میزان رضایت از رابطه همسر با فرزندان، میزان عمل همسر به وظایف خود، میزان رضایت از عملکرد همسر، میزان رضایت از وفاداری همسر، میزان رضایت از وضعیت مالی همسر، میزان شادی فرد در خانه، میزان رضایت از این ازدواج، میزان خوشبختی در این ازدواج، و احساس قوی عشق به همسر.

گرایش به طلاق: میزان تمایل فرد به طلاق از ترکیب ۵ گویه، برگرفته از مطالعه زو^۲ (۲۰۰۴)، با آلفای کرونباخ ۰/۹۰۲ در سطح سنجش فاصله‌ای ساخته شده است. این ۵ گویه عبارتند از: میزان فکر کردن به طلاق، میزان صحبت کردن با دوستان نزدیک در مورد طلاق، میزان مطرح طلاق به شکل جدی، میزان سابقه جدایی از همسر، میزان فکر کردن در مورد انحلال زندگی زناشویی در آینده.

متغیرهای زوجی: منظور مولفه‌هایی است که در رابطه میان دو فرد مطرح است. همگونی بدو ازدواج و رابطه پیش از ازدواج مولفه‌های زوجی در نظر گرفته شده است. همگونی بدو ازدواج: برگرفته از پیمایش کالمین^۳ (۲۰۰۱) از ترکیب ۵ گویه‌ی در زمان ازدواج شباهت شما

¹ Marital happiness

² Xu

³ Kalmijn

به همسران، از نظر سیاسی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی اجتماعی، تحصیلی به چه اندازه بود؟ در مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای سنجیده شده است. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۸۴۱ می‌باشد. در تحلیل داده‌ها، این متغیر در سه بخش پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی است. رابطه پیش از ازدواج: با گویه آیا قبل از ازدواج تجربه دوستی و معاشرت با جنس مخالف داشتید؟ و با پاسخ‌های خیر، بله با همسر، بله با غیرهمسر، بله با همسر و با غیرهمسر بوده است. در سه مورد پایانی فرد رابطه پیش از ازدواج داشته است. در تحلیل داده‌ها، این متغیر به متغیر اسمی رابطه و یا عدم رابطه پیش از ازدواج طبقه‌بندی شده است.

سن: در سطح فاصله‌ای و با گویه چند سال دارید؟ سنجیده شده است. در تحلیل داده‌ها، این متغیر در سه بخش ۱۸ تا ۳۴ سال، ۳۵ تا ۵۴ و ۵۵ سال و بالاتر طبقه‌بندی شده است. مدت زمان زناشویی: در سطح فاصله‌ای و با گویه چند سال است که ازدواج کرده‌اید؟ سنجیده شده است. در تحلیل داده‌ها، این متغیر در سه بخش کمتر از ۵ سال، ۵ تا ۲۰ و بالاتر از ۲۰ سال طبقه‌بندی شده است.

تحصیلات: سطح تحصیلات فرد در ۱۱ سطح، از بیسواد تا دکترای تخصصی پرسیده شده است. در تحلیل داده‌ها، این متغیر در سه بخش پایین‌تر از دیپلم، پیش‌دانشگاهی و دیپلم و دانشگاهی طبقه‌بندی شده است.

درآمد: در ۵ سطح زیر ۷۵۰ هزار تومان، از ۷۵۰ هزار تومان تا ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان، از ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان تا ۳ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان، از ۳ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان تا ۵ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان و بالاتر از ۵ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان سنجیده شده است.

سابقه طلاق والدین: سابقه طلاق والدین با یک گویه آیا والدین شما تجربه طلاق دارند؟ در سطح سنجش اسمی دو قسمتی سنجیده شده است.

سابقه جدایی از مادر: با یک گویه آیا زمانی که کودک بودید، سابقه جدایی از مادر خود (مواردی مانند فوت مادر یا جدایی بخاطر طلاق والدین) را داشته‌اید؟ سنجیده شده است. در

تحلیل داده‌ها، این متغیر به متغیر اسمی دو قسمتی سابقه یا عدم سابقه جدایی از مادر در دوران کودکی طبقه‌بندی شده است.

احساس مثبت به خود: از ترکیب دو گویه بیشتر، افراد دیگر مشخص می‌کنند که من چه کاری باید انجام بدهم و اتفاق‌هایی که در زندگی من می‌افتد عمدتاً خارج از کنترل من است، ساخته شده است. در تحلیل داده‌ها، این متغیر در سه بخش پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شده است.

میزان اهمیت به خانواده: با یک گویه در زندگی شما والدین، فرزندان، خواهر و برادرها و همسر چقدر برایتان مهم است (هر مورد با ارزش ۱ تا ۱۰)، سنجیده شده است. در تحلیل داده‌ها، این متغیر در سه بخش پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شده است.

تایید ازدواج توسط والدین: با یک گویه نحوه انتخاب همسرتان چگونه بود؟ و با پاسخ‌های انتخاب توسط والدین بدون نظر و تایید من، انتخاب توسط والدین و با تایید من، انتخاب توسط خودم و با تایید والدین، انتخاب توسط خودم و بدون تایید والدین سنجیده شده است. در تحلیل داده‌ها، این متغیر به متغیر اسمی تایید ازدواج و عدم تایید ازدواج توسط والدین در سطح سنجش اسمی دو قسمتی طبقه‌بندی شده است.

شبکه اجتماعی: با گویه در هر یک از موارد زیر با چه کسانی ارتباط دارید و یا چه کسانی به شما کمک می‌کنند؟ میزان شبکه اجتماعی افراد و حمایت اجتماعی مشتمل بر حمایت والدین، فرزندان، خواهر و برادر، دوستان، اقوام، همکاران و همسایه‌ها در سلام و احوال‌پرسی، تماس تلفنی، ارتباط در شبکه‌های اجتماعی، دید و بازدید، حضور در مراسم جشن و سوگواری، مسافرت، درد دل کردن، نگهداری از بچه‌ها، کمک‌هایی مانند اثاث‌کشی و خرید، دریافت کمک در صورت نیاز مالی، دریافت کمک در بیماری‌ها بوده است. در تحلیل داده‌ها، این متغیر در سه بخش پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱ توزیع درصدی پاسخگویان را بر حسب متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد. چنانکه مشاهده می‌شود، ترکیب جنسی و سنی نمونه نشان می‌دهد نمونه بدست آمده نمونه‌ای معرف جامعه آماری است. به طوری که حدود نیمی از افراد نمونه را زنان و نیم دیگر را مردان تشکیل داده‌اند. بیش از نیمی از افراد در دامنه سنی ۳۵ تا ۵۴ سال بوده‌اند.

جدول ۱: توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب متغیرهای تحقیق

ویژگی	درصد	تعداد
جنس (درصد ستونی)	مرد	۴۸/۶
	زن	۵۱/۴
سن (درصد ستونی) (میانگین سن: ۴۴/۱ سال)	۱۸ تا ۳۴	۲۴/۶
	۳۵ تا ۵۴	۵۴/۴
	۵۵ و بالاتر	۲۱
تحصیلات (درصد ستونی)	پایین تر از دیپلم	۳۴/۳
	پیش‌دانشگاهی و دیپلم	۳۲/۲
	دانشگاهی	۳۳/۵
وضعیت درآمد (درصد ستونی)	کمتر از ۲۲۵۰ هزار تومان	۷۶/۸
	۲۲۵۰-۳۷۵۰	۱۴/۷
	بالاتر از ۳۷۵۰	۸/۲
تعداد سال‌های ازدواج (میانگین تعداد سال‌های ازدواج: ۲۰/۰۲)	تا ۵ سال	۱۸/۵
	۵ تا ۲۰ سال	۳۹/۲
	بیش از ۲۰ سال	۴۲/۳
سابقه طلاق	دارد	۱/۹
	ندارد	۹۸/۱
سابقه جدایی از والدین	دارد	۲/۶
	ندارد	۹۵/۹
میزان اهمیت خانواده در زندگی	پایین	۳۵/۷
	متوسط	۳۸/۲
	بالا	۲۶/۲
احساس نسبت به خود	پایین	۳۱/۲
	متوسط	۱۹/۷
	بالا	۴۹/۱
تایید ازدواج توسط والدین	بله	۹۵/۴
		۱۶۰۴

۷۸	۴/۶	خیر	
۵۸۰	۳۳/۴	پایین	شبکه اجتماعی
۵۷۹	۳۳/۴	متوسط	
۵۷۷	۳۳/۲	بالا	
۶۷۸	۳۹/۶	پایین	همسانی با همسر
۷۸۶	۴۵/۹	متوسط	
۲۴۹	۱۴/۵	بالا	
۶۱۵	۳۵/۴	بله	رابطه پیش از ازدواج
۱۱۰۳	۶۳/۵	خیر	
۶۰-۰ = مینیمم - ماکزیمم		۸۵/۹۶ = واریانس	۴۳/۴۹ = میانگین
۲۵-۰ = مینیمم - ماکزیمم		۱۹/۵۱ = واریانس	۲/۴۶ = میانگین

همچنین جدول فوق نشان می‌دهد که حدود یک سوم از افراد تحصیلات پایین‌تر از دیپلم، حدود یک سوم تحصیلات پیش‌دانشگاهی و دیپلم و حدود یک سوم نیز تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. حدود ۲ درصد از پاسخگویان طلاق والدین و ۲/۶ درصد سابقه جدایی از مادر را در دوران کودکی تجربه کرده‌اند. ازدواج اکثریت افراد با تایید والدین بوده و حدود ۴۰ درصد همگونی بدو ازدواج را در سطح پایین گزارش کرده‌اند. ۲۶/۲ درصد در سطح بالا به خانواده اهمیت داده و حدود نیمی از افراد در سطح بالا نسبت به خود احساس مثبتی دارند. حدود دوسوم از پاسخگویان شبکه اجتماعی در سطح متوسط و بالا دارند. ۳۵/۴ درصد از پاسخگویان رابطه پیش از ازدواج با همسر و یا غیرهمسر را اعلام نموده‌اند. جدول ۲ آزمون مقایسه میانگین تعیین کننده‌های نشاط زناشویی و گرایش به طلاق را نشان داده است.

جدول ۲: آزمون مقایسه میانگین تعیین کننده‌های پایداری زندگی زناشویی

گرایش به طلاق					نشاط زناشویی				
معناداری	درجه آزادی	آماره تی	میانگین		معناداری	درجه آزادی	آماره تی	میانگین	
۰/۰۱۱	۱۷۳۳	۲/۵۴۸	۴/۳۹۸	بله	۰/۱۵۱	۱۷۳۳	-۱/۴۳۷	۴۱/۱۸۵	بله
			۲/۴۲۲	خیر				۴۳/۵۲۶	خیر
۰/۱۶۱	۴۵/۳۲۱	۱/۴۲۴	۳/۶۳۲	بله	۰/۴۳۳	۱۷۰۷	-۰/۷۸۴	۴۲/۴۸۷	بله
			۲/۳۸۷	خیر				۴۳/۵۷۷	خیر
۰/۰۵۲	۱۶۹۶/۸۱۷	-۱/۹۴۸	۲/۲۴۸	مرد	۰/۰۰۰	۱۶۷۱/۵۵۹	۷/۲۰۵	۴۵/۰۹۹	مرد
			۲/۶۵۸	زن				۴۱/۹۵۸	زن
۰/۰۴۵	۱۶۱/۶۲۵	۲/۰۲۳	۱/۸۵۷	بله	۰/۰۰۰	۱۶۰/۸۸۹	-۵/۹۰۹	۴۴/۷۶۵	بله

			۲/۸۵۱	خیر					۴۴/۳۸۹	خیر	
۰/۰۰۰	۱۰۳۷/۴۲۵	-۶/۹۲۳	۳/۴۵۸	بله	رابطه پیش از ازدواج	۰/۴۰۶	۱۷۱۶	۰/۸۳۰	۴۳/۳۱۳	بله	رابطه پیش از ازدواج
			۱/۸۵۷	خیر					۴۳/۶۹۵	خیر	

چنانکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، طلاق والدین با افزایش گرایش به طلاق رابطه معنادار دارد. بنابراین فرضیه تاثیر طلاق والدین بر گرایش به طلاق در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. سابقه جدایی از مادر در دوران کودکی با نشاط زناشویی و گرایش به طلاق رابطه معناداری ندارد. بنابراین فرضیه تاثیر سابقه جدایی از مادر در دوران کودکی بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق پذیرفته نمی‌شود. زنان نسبت به مردان نشاط زناشویی در سطح پایین‌تری را گزارش کرده‌اند. بنابراین فرضیه تاثیر جنسیت بر نشاط زناشویی در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. در افرادی که ازدواج ایشان توسط والدین تایید شده، نشاط زناشویی بالاتر و گرایش به طلاق کمتر بوده است. بنابراین فرضیه تاثیر تایید ازدواج توسط والدین بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. در افرادی که پیش از ازدواج معاشرت و رابطه با جنس مخالف داشته‌اند، گرایش به طلاق در سطح معناداری بیشتر بوده است. بنابراین فرضیه تاثیر رابطه پیش از ازدواج بر گرایش به طلاق در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. جدول ۳ آزمون تحلیل واریانس تعیین کننده‌های نشاط زناشویی و گرایش به طلاق را نشان داده است.

جدول ۳: آزمون تحلیل واریانس تعیین کننده‌های پایداری زندگی زناشویی

گرایش به طلاق						نشاط زناشویی					
معناداری	آماره اف	طبقات				معناداری	آماره اف	طبقات			
		۳	۲	۱				۳	۲	۱	
۰/۰۰۰	۱/۹۲۵			۳/۲۲۱	سن	۰/۰۱۸	۴/۰۲۸		۴۳/۸۵۷	۳۴-۱۸	سن
			۲/۵۰۱۱		۵۴-۳۵				۴۳/۷۸۵		۵۴-۳۵
		۱/۴۶۲			۵۵ و بالاتر				۴۲/۲۶۰		۵۵ و بالاتر
۰/۰۰۶	۵/۰۸۳			۱/۹۹۲	تحصیلات	۰/۰۰۰	۹/۳۹۰		۴۲/۲۱۴	پایین‌تر از دیپلم	تحصیلات
			۲/۶۸۷		دیپلم و پیش				۴۳/۸۰۳	دیپلم و پیش	دیپلم و پیش
			۲/۷۱۷		دانشگاهی				۴۴/۴۸۴	دانشگاهی	دانشگاهی
۰/۰۳۲	۳/۴۴۱			۲/۵۰۱	درآمد	۰/۰۲۱	۳/۸۸۷		۴۳/۱۹۸	پایین	درآمد
			۱/۹۰۶		متوسط				۴۴/۹۶۳	متوسط	متوسط
				۳/۰۷۵	بالا				۴۳/۵۲۱	بالا	بالا
۰/۰۰۰	۲۰/۲۹۳		۳/۳۱۲		مدت زمان زناشویی	۰/۰۱۶	۴/۱۵۶		۴۲/۷۳۷	کمتر از ۵ سال	مدت زمان زناشویی
			۲/۸۷۳		۲۰-۵				۴۳/۹۰۸	۲۰-۵	۲۰-۵
				۱/۶۹۲	بیشتر از ۲۰				۴۴/۲۴۲	بیشتر از ۲۰	بیشتر از ۲۰
۰/۰۵۹				۲/۲۴۶	پایین	۰/۰۰۰			۴۲/۰۲۳	پایین	احساس مثبت به خود

	۲/۸۳۸			متوسط ۲/۴۱۳			۱۴/۳۸۶		۴۲/۸۹۹		متوسط ۴۴/۶۵۱	
				بالا ۲/۸۲۱							بالا	
۰/۰۰۰	۵۹/۳۲۰			پایین ۳/۹۴۲	میزان اهمیت به خانواده	۰/۰۰۰	۱۲۴/۴۶۳			۳۹/۲۶۰	پایین	میزان اهمیت به خانواده
		۱/۸۱۵		متوسط					۴۴/۸۴۹		متوسط	
		۱/۳۷۶		بالا				۴۷/۲۵۴			بالا	
۰/۰۱۸	۴/۰۵۲			پایین ۲/۸۸۰	شبکه اجتماعی	۰/۰۰۰	۱۱/۱۵۲		۴۲/۳۳۸		پایین	شبکه اجتماعی
		۲/۲۹۸		متوسط					۴۳/۲۵۸		متوسط	
		۲/۱۹۶		بالا					۴۴/۸۶۷		بالا	
۰/۰۰۰	۱۵/۶۰۹			پایین ۳/۰۶۰	همگونی بدو ازدواج	۰/۰۰۰	۹۵/۶۲۳			۴۰/۲۵۱	پایین	همگونی بدو ازدواج
		۲/۱۹۴		متوسط					۴۴/۹۱۳		متوسط	
		۱/۳۹۱		بالا				۴۸/۳۳۸			بالا	

چنانکه در جدول ۳ مشاهده می‌شود، با افزایش سن در سطح معناداری نشاط زناشویی و گرایش به طلاق پایین‌تر است. بنابراین فرضیه تاثیر سن بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. افزایش تحصیلات با نشاط زناشویی بیشتر و گرایش به طلاق بیشتر رابطه معناداری دارد. بنابراین فرضیه تاثیر تحصیلات بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. نشاط زناشویی افراد با درآمد پایین و بالا از افراد با درآمد متوسط پایین‌تر است. طلاق در افراد با درآمد بالا بیشترین و در افراد با درآمد متوسط کمترین میانگین را داراست. بنابراین فرضیه تاثیر درآمد بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. با افزایش مدت زمان زناشویی نشاط زناشویی افزایش و گرایش به طلاق کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه تاثیر مدت زمان زناشویی بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. نشاط زناشویی در افراد با حس مثبت نسبت به خود بالاتر است. در افرادی که به خانواده اهمیت بیشتری می‌دهند، نشاط زناشویی بالاتر و گرایش به طلاق پایین‌تر بوده است. بنابراین فرضیه تاثیر اهمیت دادن به خانواده، بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. افرادی که شبکه اجتماعی قوی تر داشته‌اند، نشاط زناشویی بالاتر و گرایش به طلاق پایین‌تر را گزارش کرده‌اند. بنابراین فرضیه تاثیر شبکه اجتماعی بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. همگونی بدو ازدواج بیشتر در سطح معناداری با نشاط زناشویی بالاتر و گرایش به طلاق کمتر رابطه داشته است. بنابراین فرضیه تاثیر همگونی بدو ازدواج بر نشاط زناشویی و گرایش به

طلاق در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. جدول ۴ رگرسیون چند متغیره تاثیر پیشینه خانوادگی، ویژگی‌های فردی، حمایت اجتماعی و متغیرهای زوجی را در مدل‌های جداگانه و در مدل کلی نشان داده است.

جدول ۴: رگرسیون چند متغیره تعیین کننده‌های پایداری زندگی زناشویی

گرایش به طلاق					نشاط زناشویی					
کل	متغیرهای زوجی	حمایت اجتماعی	ویژگی‌های فردی	پیشینه خانوادگی	کل	متغیرهای زوجی	حمایت اجتماعی	ویژگی‌های فردی	پیشینه خانوادگی	
Beta	Beta	Beta	Beta	Beta	Beta	Beta	Beta	Beta	Beta	
-۰/۰۵۶				*-۰/۰۵۶	۰/۰۳۱				۰/۰۱۲	طلاق والدین
*-۰/۰۱۸				-۰/۰۳۳	۰/۰۰۶				۰/۰۳۴	سابقه جدایی از مادر
*-۰/۰۷۳			۰/۰۴۵		*-۰/۱۹۶			*-۰/۱۸۹		جنس
*-۰/۰۹۲			*-۰/۰۷۹		-۰/۰۰۱			-۰/۰۳۲		سن
-۰/۰۳۸			-۰/۰۲۲		*-۰/۱۲۳			*-۰/۱۱۲		تحصیلات
۰/۰۲۲			۰/۰۱۷		-۰/۰۳۵			-۰/۰۳۰		درآمد
*-۰/۰۷۶			*-۰/۱۱۹		-۰/۰۰۴			۰/۰۴۳		مدت زمان زندگی زناشویی
۰/۰۲۵			۰/۰۴۵		*-۰/۰۶۶			*-۰/۰۹۱		احساس مثبت به خود
*-۰/۰۲۰۵			*-۰/۰۲۴۲		*-۰/۰۲۷۳			*-۰/۰۳۳۵		میزان اهمیت به خانواده
*-۰/۰۵۹		*-۰/۰۷۶			*-۰/۰۴۳		*-۰/۰۸۵			تایید ازدواج توسط والدین
*-۰/۰۶۶		*-۰/۰۶۴			*-۰/۱۱۳		*-۰/۱۱۷			شبکه اجتماعی
*-۰/۰۷۸	*-۰/۱۲۲				*-۰/۰۲۳۰	*-۰/۰۳۱۰				همگونی بدو ازدواج
*-۰/۱۱۰	*-۰/۱۷۲				*-۰/۰۶۸	۰/۰۰۱				رابطه پیش از ازدواج
۱۶/۷۵۶	۴۲/۴۷۵	۸/۳۶۷	۲۳/۴۶۰	۴/۳۷۸	۳۸/۵۳۵	۹۰/۴۴۳	۱۷/۶۴۲	۴۹/۲۴۶	۱/۲۲۴	F
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۹۴	مقدار p
۰/۳۴۶	۰/۲۱۸	۰/۰۹۹	۰/۲۹۶	۰/۰۷۱	۰/۴۸۸	۰/۳۱۰	۰/۱۴۳	۰/۴۱۰	۰/۰۳۸	R
۰/۱۱۹	۰/۰۴۸	۰/۰۱۰	۰/۰۸۸	۰/۰۰۵	۰/۲۳۸	۰/۰۹۶	۰/۰۲۱	۰/۱۶۸	۰/۰۰۱	R Square
۰/۱۱۲	۰/۰۴۷	۰/۰۰۹	۰/۰۸۴	۰/۰۰۴	۰/۲۳۲	۰/۰۹۵	۰/۰۱۹	۰/۱۶۵	۰/۰۰۰	Adjusted R Square

چنانکه در جدول ۴ می‌بینیم مدل‌های ارائه شده در سطح معناداری قابل قبول بوده‌اند (به استثنای مدل تاثیر پیشینه خانوادگی بر نشاط زناشویی). با توجه به این جدول و در پاسخ به سؤال چه عواملی می‌تواند نشاط زناشویی و گرایش به طلاق را در شهر تهران پیش‌بینی کند؟ می‌توان گفت که مدل تاثیر پیشینه خانوادگی بر گرایش به طلاق نشان می‌دهد، طلاق والدین با

گرایش به طلاق فرزندان رابطه معناداری دارد. مدل تاثیر ویژگی‌های فردی بر نشاط زناشویی نشان می‌دهد مردان، افراد با تحصیلات بالاتر، افرادی که به خانواده اهمیت بیشتری می‌دهند و افرادی که حس مثبت‌تری به خود دارند، در سطح معناداری نشاط زناشویی بالاتری دارند. این مدل نشان می‌دهد با افزایش سن، با افزایش مدت زمان زناشویی و با افزایش میزان اهمیت به خانواده، در سطح معناداری گرایش به طلاق کاهش یافته است. مدل تاثیر حمایت اجتماعی نشان می‌دهد تایید ازدواج توسط والدین و گستردگی شبکه اجتماعی با افزایش نشاط زناشویی و کاهش گرایش به طلاق همراه است. مدل تاثیر متغیرهای زوجی نشان می‌دهد همگونی بدو ازدواج با افزایش نشاط زناشویی و کاهش گرایش به طلاق رابطه معناداری دارد. همچنین معاشرت و رابطه با جنس مخالف با کاهش نشاط زناشویی و افزایش گرایش به طلاق همراه بوده است. سابقه جدایی از مادر در دوران کودکی با افزایش گرایش به طلاق همراه بوده است. این جدول نشان می‌دهد، در صورتی که همه عوامل با هم وارد مدل شوند، اهمیت برخی بیشتر است. بنابراین در پاسخ به سؤال دوم تحقیق که شدت تاثیر هر یک از این عوامل به چه میزان است؟ می‌توان گفت که نشاط زناشویی به ترتیب متاثر از میزان اهمیت به خانواده، همگونی بدو ازدواج، جنسیت، تحصیلات، شبکه اجتماعی، رابطه پیش از ازدواج، احساس مثبت به خود داشتن، تایید ازدواج توسط والدین، و گرایش به طلاق به ترتیب متاثر از میزان اهمیت به خانواده، رابطه پیش از ازدواج، سن، همگونی بدو ازدواج، مدت زمان زناشویی، جنسیت، شبکه اجتماعی، و تایید ازدواج توسط والدین بوده است. مجموعه متغیرهای پیش‌بین کننده، توانایی تبیین نشاط زناشویی را به میزان ۲۳/۲ درصد و توانایی تبیین گرایش به طلاق را به میزان ۱۱/۲ درصد دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در بسیاری از کشورهای جهان، خانواده از اهمیت بالایی برخوردار است. ولیکن در دهه‌های اخیر، حفظ و نگهداشت آن به سهولت امکان‌پذیر نیست. بر این اساس، این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی بوده که آیا قبل از ازدواج می‌توان پیش‌بینی کرد که چه کسانی

ازدواج موفق و چه کسانی ازدواج ناموفق خواهند داشت؟ با توجه به نظریه همسان‌همسری، نظریه‌نظام‌ها، تئوری دلبستگی، مبادله و کنش متقابل و پیشینه مطالعات انجام شده، تاثیر عوامل پیشینه خانوادگی (سابقه طلاق والدین، سابقه جدایی از مادر)، ویژگی‌های فردی (جنس، سن، تحصیلات، درآمد، مدت زمان زناشویی، احساس مثبت به خود، میزان اهمیت به خانواده)، حمایت اجتماعی (تایید ازدواج توسط والدین، شبکه اجتماعی) و متغیرهای زوجی (همگونی بدو ازدواج، رابطه پیش از ازدواج) بر نشاط زناشویی و گرایش به طلاق مفروض بوده است. لازم به ذکر است که در این تحقیق، پایداری زندگی زناشویی با دو مولفه نشاط زناشویی و گرایش به طلاق سنجیده شده است. هر چه میزان نشاط زناشویی بالاتر باشد و هر چه میزان گرایش به طلاق کمتر باشد، زندگی زناشویی پایدارتر و احتمال انحلال آن، کمتر خواهد بود. نتایج این تحقیق نشان داده که این دو مولفه مطابق انتظار رابطه معکوس معناداری با هم دارند (پیرسون = ۰/۶۰۲، p مقدار = ۰/۰۰۰). یافته‌های تحقیق نشان داده:

- طلاق والدین با گرایش به طلاق در فرزندان رابطه معناداری دارد. همراستا با این یافته نظریه نظام‌ها، و مطالعات ویت (۱۹۹۰)، وامبولت و ریس (۱۹۸۹) نیز نشان داده که پیشینه خانوادگی بر پایداری زندگی زناشویی اثرگذار است.

- مردان نشاط زناشویی بالاتر و گرایش به طلاق پایین‌تر را گزارش کرده‌اند.

- افراد با تحصیلات بالاتر در سطح معناداری نشاط زناشویی بالاتری دارند. در آزمون دومتغیره نیز دیدیم که افزایش تحصیلات با نشاط زناشویی بیشتر و گرایش به طلاق بیشتر همراه بوده است.

- در آزمون دومتغیره نشاط زناشویی افراد با درآمد پایین از افراد با درآمد متوسط پایین‌تر است. طلاق در افراد با درآمد بالا بیشترین و در افراد با درآمد متوسط کمترین میانگین را داراست. اهمیت متغیرهای دیگر بیش از درآمد بوده و در مدل کلی درآمد معناداری خود را از دست داده است.

- افرادی که به خانواده اهمیت بیشتری می‌دهند، نشاط زناشویی بالاتری دارند.

- افرادی که حس مثبت‌تری به خود دارند، نشاط زناشویی بالاتری دارند.

- با افزایش سن، گرایش به طلاق کاهش یافته است. در آزمون دومتغیره با افزایش سن در سطح معناداری نشاط زناشویی و گرایش به طلاق پایین‌تر است.

- با افزایش مدت زمان زناشویی نشاط زناشویی افزایش و گرایش به طلاق کاهش می‌یابد.

- با افزایش میزان اهمیت به خانواده، گرایش به طلاق کاهش یافته است.

- تایید ازدواج توسط والدین با افزایش نشاط زناشویی و کاهش گرایش به طلاق همراه بوده است. این یافته در مطالعات برجس و والین (۱۹۵۳)، بوث و جانسون (۱۹۸۸)، کیت، هاستون، و نسلرود (۱۹۸۶)، کوردک (۱۹۹۱)، ویت (۱۹۹۰)، نادیا و ایرم (۲۰۱۵)، صادقی و همکاران (۱۳۹۷) عاصمی و حسینی یزدی (۱۳۹۳) سلیمانی و همکاران (۱۳۹۰) شعاع کاظمی و شهابی‌نژاد (۱۳۹۵) نیز تایید شده است. متفاوت با این یافته هنرپروران (۱۳۹۶)، ضرغام حاجبی و همکاران (۱۳۹۶)، فلاح‌زاده و اسددرخت (۱۳۹۲) و خبیر (۱۳۹۱) نشان دادند که ازدواج به سبک مدرن و آشنایی زوجین قبل از ازدواج در افزایش میزان رضایت زناشویی و پایداری زندگی زناشویی تاثیرگذار است. جواهری محمدی و همکاران (۱۳۹۴)، فاریابی و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۴)، سیار و همکاران (۱۳۹۱) نیز نشان دادند که تفاوت معناداری در رضایت زناشویی در بین زوجین با همسرگزینی سنتی و غیرسنتی وجود ندارد.

- گستردگی شبکه اجتماعی با افزایش نشاط زناشویی و کاهش گرایش به طلاق همراه بوده است. این یافته در مطالعات برجس و والین (۱۹۵۳)، بوث و جانسون (۱۹۸۸)، کیت، هاستون، و نسلرود (۱۹۸۶)، کوردک (۱۹۹۱)، ویت (۱۹۹۰) نیز تایید شده است.

- همگونی بدو ازدواج با افزایش نشاط زناشویی و کاهش گرایش به طلاق رابطه معناداری دارد. این یافته در تئوری همسان‌همسری و مطالعات دیندیا (۱۹۹۴)، کیلی و هارت (۱۹۹۴)، پلانالپ و گاروین‌دوکساس (۱۹۹۴)، کلی، هاستون و کیت (۱۹۸۵) و هالمن (۲۰۰۶) نیز تایید شده است.

-معاشرت و رابطه با جنس مخالف با کاهش نشاط زناشویی و افزایش گرایش به طلاق همراه بوده است. فرایندهای تعاملی در مطالعات دیندیا (۱۹۹۴)، کیلی و هارت (۱۹۹۴)، پلانالپ و گاروین-دوکساس (۱۹۹۴)، کلی، هاستون و کیت (۱۹۸۵) نیز تایید شده است.

-سابقه جدایی از مادر در دوران کودکی با افزایش گرایش به طلاق همراه بوده است. تئوری دلبستگی و مطالعه کارنی و بردبری (۱۹۹۵) نیز این یافته را تایید کرده است.

-تاثیر ویژگی‌های فردی در مطالعات بنتلر و نیوکمب (۱۹۷۸) و وامبولت و ریس (۱۹۸۹) نیز تایید شده است.

-نشاط زناشویی به ترتیب متأثر از میزان اهمیت به خانواده، همگونی بدو ازدواج، جنسیت، تحصیلات، شبکه اجتماعی، رابطه پیش از ازدواج، احساس مثبت به خود داشتن و تایید ازدواج توسط والدین، بوده است. به‌طوری که افرادی که به خانواده اهمیت بیشتری می‌دهند، همگونی بدو ازدواج در ایشان بالاتر بوده است، مردان، افراد با تحصیلات بالاتر، افراد با شبکه اجتماعی گسترده‌تر، افرادی که پیش از ازدواج رابطه نداشته‌اند، افرادی که احساس مثبت‌تری به خود داشته‌اند و افرادی که ازدواج ایشان توسط والدینشان تایید شده است، نشاط زناشویی بالاتری داشته‌اند. گرایش به طلاق به ترتیب متأثر از میزان اهمیت به خانواده، رابطه پیش از ازدواج، سن، همگونی بدو ازدواج، مدت زمان زناشویی، جنسیت، شبکه اجتماعی، و تایید ازدواج توسط والدین بوده است. به‌طوری که افرادی که به خانواده اهمیت کمتری می‌دهند، افرادی که پیش از ازدواج رابطه داشته‌اند، جوان‌ترها، افرادی که همگونی بدو ازدواج در ایشان پایین‌تر بوده است، افرادی که مدت زمان زناشویی ایشان کمتر است، زنان، افراد با شبکه اجتماعی محدودتر، و افرادی که ازدواج ایشان توسط والدینشان تایید نشده است، گرایش به طلاق بالاتری داشته‌اند.

-مجموعه متغیرهای پیش‌بین کننده، توانایی تبیین نشاط زناشویی را به میزان ۲۳/۲ درصد و توانایی تبیین گرایش به طلاق را به میزان ۱۱/۲ درصد دارند. نظریه سیستمی مارکز نیز متذکر شده که لازم است، چندین سطح تحلیل که به طور اجتناب‌ناپذیری به هم مرتبط هستند، در نظر گرفته شود (وامبولت و ریس، ۱۹۸۹: ۱۳۲)، (لارسون و هالمن، ۱۹۹۴: ۲۲۹)، (ویت، ۱۹۹۰).

-بر اساس مطالعات باورمن (۱۹۶۴)، کیت و لوید (۱۹۹۲) و یافته‌های این مقاله پایداری زندگی زناشویی قابل پیش‌بینی است. با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهادات سیاستی و مطالعاتی به قرار زیر مطرح است:

-چنانکه دیدیم طلاق والدین و سابقه جدایی از مادر در دوران کودکی به دلیل فوت یا طلاق مادر به عنوان پیش‌بینی کننده طلاق فرزندان مطرح است. این یافته نشان می‌دهد، حفظ و صیانت از خانواده نه تنها مربوط به زوج است، بلکه به نسل‌های بعدی نیز قابل انتقال است. لازم است اهمیت موضوع و مهارت‌های ارتباطی به زوجین آموزش داده شود. در این راستا نقش و جایگاه آموزش و پرورش و رسانه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است.

-از آنجا که زنان نشاط زناشویی پایین‌تر و گرایش به طلاق بالاتر را گزارش کرده‌اند و با توجه به برخی مطالعات که به عنوان مثال نشان می‌دهد زنان از فعالیت‌های اشتراکی با همسر، حس مثبت‌تر و نشاط زناشویی بیشتری دارند (ناولز^۱، ۲۰۰۴؛ مدیری، ۱۳۹۵) می‌توان گزارش نشاط زناشویی پایین‌تر و گرایش به طلاق بالاتر در زنان را به حساسیت بیشتر ایشان یا گزارش دقیق‌تر ایشان نسبت داد.

- از تاثیر تحصیلات بر پایداری زندگی زناشویی می‌توان چنین استنتاج کرد که افراد با تحصیلات بالاتر مهارت‌های ارتباطی بیشتری دارند که این مهارت‌های ارتباطی به نشاط زناشویی بیشتر منجر گردیده است و از طرف دیگر، با افزایش تحصیلات افراد بیشتر به حقوق خود واقف شده، انتظارات بیشتری از زندگی دارند و کمتر با زندگی متلاطم کنار می‌آیند. تاثیر تحصیلات در نشاط زناشویی در رگرسیون چند متغیره همچنان برقرار بوده است. بنابراین لازم است در سیاست‌های خانواده به اقشار تحصیلکرده توجه ویژه شود.

-بر خلاف برخی نظرات که پایداری زندگی زناشویی را تنها به موقعیت اقتصادی نسبت می‌دهند، لازم است اطلاع‌رسانی شود که درآمد پایین با پایداری زندگی زناشویی در تضاد بوده و بنابراین دستیابی همه افراد به حداقل سطح رفاه الزامی است. از طرف دیگر اهمیت دیگر متغیرها

¹ Knowles

بیش از درآمد است زیرا درآمد معناداری خود را در کنار دیگر متغیرها از دست داده است. بنابراین لازم است در راستای پایداری زندگی زنشویی عوامل پیش‌بینی کننده اطلاع رسانی شود.

-از آنجا که با افزایش سن و مدت زمان زنشویی، گرایش به طلاق کاهش می‌یابد، لازم است زوجین جوان در سال‌های اول ازدواج از خدمات مشاوره‌ای برخوردار باشند.

-لازم است در افراد اعتماد به نفس و احساس مثبت به خود آموزش داده شود و نقش اهمیت دادن به خانواده، در راستای پایداری زندگی زنشویی اطلاع‌رسانی شود.

-در جامعه ما خانواده مبدا همچنان نقش پررنگی دارد. بنابراین لازم است به جوانان آموزش داده شود که در همسرگزینی از تجربیات و نظرات خانواده بهره گیرند.

-در پایداری زندگی زنشویی، همگونی بدو ازدواج پیش‌بین کننده قوی است. بر خلاف برخی تبلیغات که این عامل را ضعیف می‌انگارد، لازم است اهمیت این موضوع به جوانان آموزش داده شود و لزوم همگونی بدو ازدواج در ابعاد مختلف اطلاع‌رسانی شود.

- دینداری و خانواده‌گرایی همواره از خصایص جامعه ایرانی بوده است. و چنانکه دیدیم رابطه با جنس مخالف موجبات ناپایداری زندگی زنشویی را فراهم می‌کند. بنابراین لازم است به جوانان آموزش داده شود که ضمن آشنایی پیش از ازدواج، تحت نظارت خانواده، از روابط بدون چارچوب پرهیز نمایند.

-لازم است به افراد آموزش داده شود که پایداری زندگی زنشویی قابل پیش‌بینی است و در این پیش‌بینی، سابقه طلاق والدین، سابقه جدایی از مادر، ویژگی‌های فردی، شیوه همسرگزینی، شبکه اجتماعی، همگونی بدو ازدواج و روابط پیش از ازدواج نقش مهمی دارند.

-با توجه به تاثیر دینداری بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، در مطالعات آتی، بررسی تاثیر دینداری بر نشاط زنشویی و گرایش به طلاق پیشنهاد می‌شود.

منابع

- ایمان‌زاده، علی، و علی‌پور، سریه (۱۳۹۵). تجربه زیسته زنان مرند از مشکلات ازدواج زود هنگام. زن و فرهنگ، سال هشتم، شماره ۳۰، ۴۶-۳۱.
- بخشایش، علیرضا، و مرتضوی، مهناز (۱۳۸۸). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین. روان‌شناسی کاربردی، ۳(۴): ۱۵-۱۳.
- بشارت، محمدعلی، تاشک، آناهیتا، و رضازاده، سید محمدرضا (۱۳۹۵). تبیین رضایت زناشویی و سلامت روانی بر حسب سبک‌های مقابله. روانشناسی معاصر، دوره ۱، شماره ۱، ۵۶-۴۸.
- بهمنش، فرشته، گلی‌پور گودرزی، فرزانه، باکویی، فاطمه (۱۳۹۶). رضایت زناشویی در الگوهای مختلف همسرگزینی؛ رویکرد مبتنی بر قرآن. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۲(۱)، ۱۳-۱۹.
- جواهری محمدی، مریم، کلانتر کوشه، سید محمد، و فرح بخش، کیومرث (۱۳۹۴). مقایسه‌ی رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی سنتی و غیرسنتی شهر تهران. مشاوره و روان درمانی خانواده، ۵(۲): ۱۲۳-۱۴۲.
- خبیر، شیرین (۱۳۹۱). مقایسه‌ی موضوعات جنسی، ثبات ازدواج و الگوهای ارتباطی در زوجین با ازدواج سنتی و غیرسنتی در شیراز. پایان‌نامه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- درخش، علی، اصلانی، خالد و کرای، امین (۱۳۹۸). تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی. پژوهش‌نامه زنان، ۱۰(۲۷)، ۷۳-۹۷.
- ریاحی، محمداسماعیل، علیوردی‌نیا، اکبر، و بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). تحلیل جامعه-شناختی میزان گرایش به طلاق: مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه. پژوهش زنان، ۵(۳)، ۱۴۰-۱۰۹.
- سازمان ثبت احوال کشور، سالنامه آمارهای جمعیتی، سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵.

سلیمانی، علی، فراهتی، مهرزاد، موجودی، مریم و طاهری، منصوره (۱۳۹۰). تأثیر نوع ازدواج (سنتی - مدرن) بر رضایت زناشویی زوجین. دومین همایش ملی روانشناسی-روانشناسی خانواده، مرودشت.

سیار، ثریا، راهب، غنچه، و اقلیما مصطفی (۱۳۹۱). مقایسه کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن در زنان متأهل شهر تهران. رفاه اجتماعی، ۱۲ (۴۷)، ۲۹۵-۲۸۱.

شادمانی، فرزانه (۱۳۹۹). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس رضایت زناشویی والدین و سلامت خانواده پدری. خانواده و پژوهش، ۱۷ (۱)، ۱۴۵-۱۶۳.

شجاعی، احمد، و حاج حسینی، رقیه (۱۳۹۶). بررسی رابطه ازدواج‌های اینترنتی و خیابانی در رضایت‌مندی زناشویی دانشجویان متأهل. اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی.

شجاعی، فاطمه، جزایری، رضوان‌السادات، احمدی، سیداحمد و فاتحی‌زاده، مریم‌السادات. (۱۳۹۸). بررسی سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج بر اساس میزان تفاوت سطح تحصیلی در زوجین، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۰ (۳۸)، ۱۱۱-۱۳۴.

شعاع کاظمی، مهرانگیز، و شهابی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۵). رابطه شیوه‌های همسرگزینی و سازگاری زناشویی بر مبنای دیدگاه اسلامی در دانشجویان، دهمین کنگره پیشگامان.

صادقی، رسول، زنجری، نسیم و محمودیانی، سراج‌الدین (۱۳۹۷). تأثیر الگوهای ازدواج در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق در شهر تهران. مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۱، شماره ۸۱، ۴۵-۷.

ضرغام حاجبی، مجید، کمالیان، ته‌مین و ارجمند، سوگند (۱۳۹۶). مقایسه رضایت زناشویی در ازدواج‌های سنتی و مدرن بین دانشجویان متأهل شهر تهران. روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی، ۱ (۲)، ۹۴-۸.

عاصمی، زهرا و حسینی یزدی، سیده عاطفه (۱۳۹۳). مقایسه رضایت زناشویی، صمیمیت، تعهد در ازدواج‌های سنتی و ازدواج‌های مدرن. اولین کنفرانس سراسری توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی.

فاریابی، ظهیرالدین و زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۴). بررسی و مقایسه سازگاری زناشویی، شادکامی و میل به طلاق در ازدواج‌های سنتی و غیر سنتی شهر یزد. *طلوع بهداشت*، ۳ (۵۱)، ۸۳-۹۴.

فرهمند، زهره، احمدنیا، شیرین (۱۳۹۳). مطالعه جنسیتی رابطه شیوهی همسرگزینی (سنتی و جدید) با رضایت زناشویی در خانواده‌های شهر شیراز. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، سال یازدهم، ۳ (۴۲)، ۹۱-۱۰۴.

فلاح‌زاده، هاجر و اسدرخت، مرثا (۱۳۹۲). تعارضات زناشویی در ازدواج‌های اینترنتی و سنتی. *همایش انجمن مشاوره ایران*، دوره ۱۳.

لازارسفلد، پل (۱۳۷۰). *بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه شناسی معاصر* (غلامعباس توسلی، ترجمه). تهران: امیرکبیر.

مدیری، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی عوامل اثرگذار بر سبک زندگی متأهلین در شهر تهران. *مطالعات جمعیتی*، ۲ (۲)، ۱۶۲-۱۳۳.

مدیری، فاطمه و رازقی نصرآباد، حجه بی بی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه دینداری و قصد باروری در شهر تهران، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، ۱۰ (۲۰)، ۱۶۳-۱۲۸.

مرکز آمار ایران، *طبقه‌بندی سطوح آموزشی و رشته‌های تحصیلی ایران*.

مرکز آمار ایران، *نتایج سرشماری*، سال ۱۳۹۰.

نوری، طاهره؛ فرحبخش، کیومرث؛ اسمعیلی، معصومه؛ کریمی، روح‌الله. (۱۴۰۰). طراحی الگوی مشاوره پیش از ازدواج در نیروهای پلیس براساس رضایت زناشویی، *پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۶ (۹)، ۳۱-۱.

هنرپروران، نازنین (۱۳۹۵). مقایسه ثبات ازدواج و مولفه‌های عشق در دانشجویان با ازدواج سنتی و غیر سنتی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان فارس. *زن و جامعه*، ویژه نامه ۷، ۲۷-۱۷.

Blanchard, V. L, Hawkins, A. J., Baldwin, S. A., Fawcett, E. B. (2009). Investigating the effects of marriage and relationship education on couples'

communication skills: A meta-analytic study. *Journal of Family Psychology*, 23, 203-214.

Booth, A., Johnson, D. R. (1988). Premarital cohabitation and marital success. *Journal of Family Issues*, 9, 225-272.

Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Aronson.

Bowerman, C. E. (1964). Prediction studies. In H. T. Christensen (Ed.), *Handbook of marriage and the family* (pp. 215-246). Chicago: Rand McNally

Burgess, E. W., Wallin, P. (1953). *Engagement and marriage*. New York: Lippincott

Burman, B., Margolin, G. (1992). Analysis of the association between marital relationships and health problems: An interactional perspective. *Psychological Bulletin*, 112, 39-63

Burpee, L. C., Langer, E. J. (2005). Mindfulness and marital satisfaction. *Journal of Adult Development*, 12(1), 43-51. doi:10.1007/s10804-005-1281-6

Burr, W. R., Yorgason, B. G., Baker, T. R. (1979). *Marital inventories for LDS couples*. Provo, UT: Brigham Young University.

Cate, R. M., Huston, T. L., Nesselroade, J. R. (1986). Premarital relationships: Toward the identification of alternative pathways to marriage. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 4, 3-22.

Cate, R. M., Lloyd, S. A. (1992). *Courtship*. California: Sage Publications.

Clarke-Stewart, A. Brentano, C. (2006). *Divorce: causes and consequences*. Yale University Press.

Dindia, K. (1994). The intrapersonal-interpersonal dialectical process of selfdisclosure. In S. Duck (Ed.), *Dynamics of relationships* (pp. 27-57). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Dinna, M. (2005). *Marital satisfaction in autonomous and arrange marriages: South African Indian sample* (MA thesis). University of Pretoria.

Filsinger, E. E., Thoma, S. J. (1988). Behavioral antecedents of relationship stability and adjustment: A 5-year longitudinal study. *Journal of Marriage and the Family*, 50, 785-795.

Hawkins, A. J., Blanchard, V. L., Baldwin, S. A., Fawcett, E. B. (2008). Does marriage and relationship education work? A meta-analytic study. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 76, 723-734.

Hawkins, D. N., Booth, A. (2005). Unhappily ever after: Effects of long-term, lowquality marriages on well-being. *Social Forces*, 84, 445-46

Hess, J. (2008). *Marital satisfaction and parental stress*. Graduate Dissertations, Utah State University.

Holman, T. B. (2006). *Premarital prediction of marital quality or breakup: Research, theory, and practice*. Springer Science and Business Media.

Holman, T. B., Larson, J. H., Harmer, S. L. (1994). The development and predictive validity of a new premarital assessment instrument: The Preparation for Marriage Questionnaire. *Family Relations*, 43, 46-52.

Holman, T. B., Larson, J. H., Stahmann, R. F., Carroll, J. S. (2001). General principles, implications, and future directions. In T. B. Holman (Ed.), *Premarital prediction of marital quality or breakup: Research, theory, and practice* (pp. 191-222). Kluwer Academic/Plenum Publishers: New York.

Jackson, J. B. (2009). *Premarital couple predictors of marital relationship quality and stability: A meta-analytic study*. Brigham Young University.

Jamalnik M., Falsafinejad, M. R., & Khodabakhshi-Koolaee, A., (2020). Long-term Marital Satisfaction: Couples' Narratives of the Role of Mate Selection. *Journal of Client-Centered Nursing Care*, 6(4), 267-276. <https://doi.org/10.32598/JCCNC.6.4.337.1>

Kalmijn, M. (2001). Joint and Separated Lifestyles in Couple Relationships. *Marriage and Family*, 63, 639-654.

Karney, B. R. Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods and research. *Psychological Bulletin*, 118, 1, 3-34.

Keeley, M. P. Hart, A. J. (1994). Nonverbal behavior in dyadic interactions. In S. Duck (Ed.), *Dynamics of relationships* (pp. 135-162). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Kelly, C., Huston, T. L., Cate, R. M. (1985). Premarital relationship correlates of the erosion of satisfaction in marriage. *Journal of Social and Personal Relationships*, 2, 167-178.

Kiecolt-Glaser, J. K., Newton, T. L. (2001). Marriage and health: His and hers. *Psychological Bulletin*, 127, 472-503.

King, M. (2016). *Marital Satisfaction*. Bloomsburg University of Pennsylvania, USA DOI: 10.1002/9781119085621.wbefs054

Knowles, Sada (2004). marital satisfaction, shared leisure and leisure satisfaction in married couples with adolescents, (Thesis of master degree), Oklahoma State University.

Knox, D., Schacht, C. (2012). *Choices in relationships: An introduction to marriage and the family*. USA: Wadsworth.

Kurdek, L. A. (1991). Marital stability and changes in marital quality in newlywed couples: A test of the contextual model. *Journal of Social and Personal Relationships*, 8, 27-48.

Larson, J. H., Holman, T. B. (1994). Predictors of marital quality and stability. *Family Relations*, 43(2), 228-237. doi: 10.2307/585327

Lewis, R. A., Spanier, G. B. (1979). Theorizing about the quality and stability of marriage. In W. R. Burr, R. Hill, F. I. Nye, & I. L. Reiss (Eds.), *Contemporary theories about the family* (Vol. 1, pp. 268-294). New York: Free Press.

Malekian, M. (2016). To Compare the Traditional and Modern marriage (Case Study Kermanshah City). *International Journal of Advanced Biotechnology and Research*. 7(1), 233-238.

Markman, H. J. (1981). Prediction of marital distress: A 5-year follow up. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 49, 760-762.

Markman, H. J., Duncan, S. S., Storaasli, R. D., Howes, P. W. (1987). The prediction and prevention of marital distress: A longitudinal investigation. In Hahlweg, K. & Goldstein, M. (1987). *Understanding major mental disorder: The contribution of family interaction research* (pp. 266-289). New York, Family Process Inc.

Marks, S. R. (1986). *Three corners*. Lexington, MA: Lexington Books.

Myers, J. E., Madathil, J., & Tingle, L. R. (2005). Marriage satisfaction and wellness in India and the United States: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice. *Journal of Counseling & Development*, 83(2), 183-190.

Nadia, A; Iram, F. (2015). Marital Satisfaction in different types of Marriage. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*; 13(1), 36-40.

Nussbeck, F. W., Bodenmann, G., and Kieffer, S. (2023). Consequences of divorce for children: Effects of conflict level and parental marital satisfaction prior to divorce.

Olson, D. H., Fowers, B. J. (1993). Five types of marriage: An empirical typology based on ENRICH. *The Family Journal*, 1(3), 196-207.

Phillips, J. A., Sweeney, M. M. (2005). Premarital cohabitation and marital disruption among White, Black, and Mexican American women. *Journal of Marriage and Family*, 67(2), 296-314.

Planalp, S. Garvin-Doxas, K. (1994). Using mutual knowledge in conversations: Friends as experts on each other. In S. Duck (Ed.), *Dynamics of relationships* (pp. 1-26). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Rajabi, G., Abbasi, G. A., & Jelodari, A. (2016). The relationship between mate selection styles and marital satisfaction of married nurses. *Practice in Clinical Psychology*, 4(4), 229-236.

Waite, L. J., Gallagher, M. (2000). *The case for marriage: Why married people are happier, healthier, and better off financially*. New York: Doubleday.

Wamboldt, F. S., Reiss, D. (1989). Defining a family heritage and a new relationship identity: Two central tasks in the making of a marriage. *Family Process*, 28, 317-335.

White, L. (1990). Determinants of divorce: A review of research in the eighties. *Journal of Marriage and the Family*, 52, 904-912

White, L. K. (1983). Determinants of Spousal Interaction: Marital Structure or Marital Happiness. *Marriage and Family*, 45, 511-519.

Whyte, M. K. (1990). *Dating, mating, and marriage*. New York: Aldine de Gruyter.

Xu, X., Lai, S. (2004). Gender ideologies, marital roles, and marital quality in Taiwan, *Journal of Family Issues*, 25(3), 318–355.

A Study on predictive factors of marital life stability

Fateme Modiri¹, Fateme Kiani Aliabadi²

Abstract

in this article, we explore the influence of premarital factors on marital happiness and divorce tendency, aiming to identify key determinants of family stability. The statistical population of survey is the married men and women of Tehran, and using Cochran's formula and optimal design effect, 1736 samples selected by multi-stage cluster sampling with questionnaire. The results show that marital happiness and the tendency to divorce were affected by a set of family background factors, individual characteristics, social support and couple-related variables. These variables have explained marital happiness by 23.2% and tendency to divorce by 11.2%. Men, people who give more importance to family, marriage is approved by their parents, have a wide social network, homogeneity at the beginning of marriage, and people with no history of premarital relationship, have reported higher marital happiness and lower tendency to divorce significantly. There is significant direct relationship between education and marital happiness; significant direct relationship between a history of separation from the mother during childhood with a tendency to divorce; significant inverse relationship between Age and duration of marriage and tendency to divorce. In general, it can be said that success or failure in married life is somewhat predictable. Based on our findings, we propose several policy recommendations, including the importance of educational initiative, advocating for homogamy, discouraging premarital relationships, and enhancing access to expert counseling services, particularly for the younger generation.

¹Associate Professor of Sociology, National Institute for Population Research, Family Studies Department, Corresponding Author. fateme.modiri@nipr.ac.ir

²Master of Demography, Allameh Tabatabai University. fatemehkianialabadi@yahoo.com

* This article has been extracted from the project approved by the National Institute for Population Research, entitled "A study on the marital quality and its impact on childbearing intention (Case of study: married in Tehran) which is supported by National Institute for Population research in partnership with the Presidential Deputy of Women and Family Affairs.

Keywords: premarital predictors, marital happiness, divorce tendency, marital stability

نسخه
پیش از انتشار